

مدیریت سود در شرکت‌های دولتی و غیردولتی بورس اوراق بهادار تهران

نیلوفر زنگی وند درویشوند^{۱*}
وحید محمودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

چکیده

هدف این پژوهش؛ بررسی مدیریت سود در شرکت‌های دولتی و غیردولتی بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر ارتباط بین نوع شرکت و مدیریت سود می‌باشد. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل اقلام تعهدی اختیاری تعدیل یافته جونز استفاده شد. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند و نمونه‌ی آماری شامل ۸۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. آزمون فرضیات برای استفاده از رگرسیون خطی و توسط نرم‌افزار ایویوز اجرا گردید. نتایج پژوهش نشان داد که در شرکت‌های دولتی میزان مدیریت سود بیش از شرکت‌های غیردولتی است و به عبارتی دیگر در شرکت‌های دولتی و یا به اصطلاح شرکت‌هایی که دارای سهامدار دولتی (دولت / ارگان‌های دولتی) باشد، نظارت بیشتری از سوی سهامداران، بالاخص این گروه از سهامداران (سهامداران دولتی) بر فعالیت‌های شرکت و اقدامات مدیران صورت می‌پذیرد و همین امر منجر می‌گردد تا در این دسته از شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های غیردولتی، مدیریت سود کمتری صورت پذیرد، ولی تمرکز مالکیت ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود را تعدیل نمی‌کند.

واژگان کلیدی

مدیریت سود، شرکت‌های دولتی و غیردولتی، تمرکز مالکیت.

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.

۲. دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران.

۱. مقدمه

سود گزارش شده یک معیار مهم در هر کسب و کاری است زیرا منبع اولیه اطلاعات برای ارزیابی عملکرد یک شرکت است. در نتیجه گزارش دقیق سود الزامی است. با این حال، مدیریت سود^۱ که در طول تهیه صورت‌های مالی رخ می‌دهد، زمانی که مدیریت سود را با استفاده از مقررات اختیاری مجاز استانداردهای حسابداری خاص دستکاری می‌کند، ممکن است بر کیفیت سود گزارش شده تأثیر بگذارد. مدیریت سود توجه زیادی را در رشته حسابداری به خود معطوف کرده است و یک نگرانی قابل توجه و مداوم برای متخصصان و تنظیم کنندگان در سراسر جهان بوده است. انگیزه‌ها و روش‌های مختلفی برای مدیریت سود وجود دارد که بیشتر آنها اهداف مدیریتی هستند. علاوه بر این، مدیریت سود و دستکاری همچنان یکی از نگرانی‌های اصلی برای صحت و قابلیت اطمینان صورت‌های مالی بود (الرباط^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از اطلاعات مهم مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها سود حسابداری است که به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت تلقی می‌شود. اغلب تحلیل‌گران مالی در مدل‌های ارزش‌گذاری قیمت سهام و ارزیابی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی از این رقم استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاران نیز با توجه به سطح سودآوری شرکت، تصمیم به نگهداری یا فروش سهام می‌گیرند. یکی از عوامل موثر بر سود، تصمیم‌گیری صحیح و مناسب مدیریت در رابطه با مخارج سرمایه‌ای می‌باشد. تصمیمات مربوط به مخارج سرمایه‌ای تحت تأثیر منافع مورد انتظار از سرمایه‌گذاری قرار دارد که متوجه رشد آتی شرکت و تقاضای محصول می‌باشد (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از مواردی که به عنوان گمراه نمودن عملکردهای اقتصادی به کار می‌رود، مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود و به عبارتی دستکاری نمودن سود (کمتر و یا بیشتر نشان دادن سود) به طور دائم جلوه‌ای از اختصاص یافتن منافع مدیران به هزینه سرمایه‌گذاران، برای وقتی که مدیران برای منفعت‌های شخصی از مدیریت سود استفاده می‌کنند، تعریف شده است. ارائه‌ی بد و دستکاری شده‌ی گزارش‌های مالی را مدیریت سود می‌نامند، لذا برای سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان شرکت مضر می‌باشد. شرکت‌هایی که در اداره و مدیریت نمودن ضعیف هستند، گزارش‌ها و سودهای جاری را دستکاری می‌کنند و این موضوع می‌تواند برای افرادی که از آن گزارش‌ها استفاده می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های خود اطلاعات گزارش‌ها را لحاظ می‌کنند، گمراه کننده باشد (الدیری^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

امروزه با جهانی شدن اقتصاد جهانی، رقابت به یکی از مکانیسم‌های اساسی بازار تبدیل شده است. در یک محیط رقابتی مملو از عدم قطعیت، شرکت‌هایی با کمبود نوآوری و کمبود مدیریت ممکن است در رقابت شکست بخورند؛ بنابراین، یک شرکت می‌تواند بحران‌های متعددی را تجربه کند که در نهایت می‌تواند باعث درماندگی مالی^۴ و احتمالاً ورشکستگی شود. درماندگی مالی از دیرباز همواره مورد توجه دولت‌ها و سرمایه‌گذاران عمومی بوده است و با توجه به بحران اقتصادی دهه اخیر، سهامداران، مؤسسات مالی، ارائه دهندگان بیمه، اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران حاضر به ارزیابی توانایی شرکت‌ها برای پرداخت بدهی‌های خود هستند؛ و همچنین تعهدات مالی بنابراین، مدیران مالی حسابداران را ملزم می‌کنند تا از پیش‌بینی ورشکستگی بهینه، مدل‌ها و فرآیندهای با قابلیت اطمینان بالا استفاده کنند،

¹ Earnings Management

² El-Rabat

³ El Diri

⁴ Financial Distress

زیرا بسیاری از شرکت‌ها در صورت ورشکستگی تلاش می‌کنند تا وضعیت واقعی خود را پوشش دهند. با توجه به پیامدهای درماندگی مالی، کیفیت گزارشگری مالی برای شرکت‌های مضطرب نسبت به شرکت‌های غیرمضطرب ضعیف‌تر می‌شود، زیرا مدیریت شرکت‌های آسیب‌دیده از تکنیک‌های مختلف مدیریت سود استفاده می‌کند. افزایش مدیریت سود از اعمال پایه تعهدی به جای پایه نقدی ناشی می‌شود. این کار دستکاری اطلاعات مالی توسط مدیریت را تسهیل می‌کند زیرا اقلام تعهدی کمتر مشاهده می‌شود. حجم قابل توجهی از تحقیقات ویژگی‌های مالی خاصی و ارتباط احتمالی آنها با شیوه‌های مدیریت سود را بررسی کرده است. شرکت‌هایی با ویژگی‌های مالی ضعیف تمایل دارند تا در فعالیت‌های مدیریت سود شرکت کنند تا تصویر بازار خود را ارتقا دهند. علاوه بر این، معیارهای مالی مهم مانند اندازه، سودآوری و رشد ممکن است شواهد قوی از فعالیت مدیریت سود ارائه دهند (الرباط و همکاران، ۲۰۲۳). در پژوهش حاضر مدیریت سود در شرکت‌های دولتی و غیردولتی بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

مدیریت سود:

مفهوم مدیریت سود از دیدگاه اسکیر^۱ (۱۹۸۹) به صورت زیر می‌باشد: دخالت عمدی و از روی غرض مدیران در ارائه گزارش مالی برای کسب سود مورد انتظار. به بیانی دیگر، به دلیل اهداف و قصد و غرض‌های متفاوت مدیران، امکان دارد سود را بیش از چیزی که به دست آمده و یا کمتر از آن نشان دهند. مدیریت سود واقعی به اقدامات واقعی انجام شده برای مدیریت سود اشاره دارد که زمان و ساختار معاملات سرمایه‌گذاری، عملیاتی و تأمین مالی را تغییر می‌دهد. نمونه‌هایی از این اقدامات شامل کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه و تبلیغات، ارائه شرایط اعتباری تهاجمی، فروش دارایی‌ها، تولید بیش از حد یا خرید مجدد سهام است. پژوهش‌های قبلی شواهدی را ارائه می‌دهد که مدیران اقدامات مدیریت سود واقعی را برای دستیابی به اهداف سود انجام می‌دهند. ادبیات حسابداری مالی توجه قابل توجهی را به مدیریت سود اختصاص داده است و عموماً چنین اقداماتی را دارای عواقب نامطلوب می‌داند، اما مجموعه تحقیقاتی رو به رشدی هم مزایای مدیریت سود واقعی و هم مواردی را که مدیریت سود واقعی می‌تواند ارزش را از بین ببرد، مستند می‌کند (أسما^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران از قضاوت در گزارش‌گری مالی و ساختار معاملات برای تغییر گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی زیربنایی شرکت گمراه کنند یا بر نتایج قراردادی که به اعداد حسابداری گزارش شده بستگی دارد تأثیر بگذارند. اطلاعات سود می‌تواند توسط مدیران برای انتقال اطلاعات برتر و مفیدی که از عملکرد شرکت می‌دانند به سهامداران و دارندگان بدهی استفاده کند. اگر اینطور باشد، مدیریت سود ممکن است برای سهامداران و مردم مضر نباشد. با این وجود، رسوایی مالی در شرکت‌های مختل همچون انرون^۳ چشم‌انداز مدیریت سود را به سمت یک دیدگاه فرصت‌طلبانه تغییر داد. با توجه به این دیدگاه، مدیران به جای منافع سهامداران، سود را برای منافع خصوصی خود مدیریت می‌کنند. برخلاف تقلب، مدیریت سود شامل انتخاب

¹ Schipper

² Osma

³ Enron

حسابداری و برآوردهایی است که با اصول پذیرفته شده حسابداری^۱ مطابقت دارد. این بدان معناست شرکت‌هایی که مدیریت سود را انجام می‌دهند، سود خود را در محدوده رویه‌های پذیرفته شده حسابداری مدیریت می‌کنند (غزالی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

ساختار مالکیت:

ساختار مالکیت در ادبیات حاکمیت شرکتی از موقعیت مرکزی ویژه‌ای برخوردار است. انتخاب نوع ساختار مالکیت و تلفیق سهامداران از وسیله‌های کنترلی می‌باشد. این جنبه از حاکمیت در شکل اندازه‌های متفاوت مشخص کننده انواع مالکیت شرکت مانند تمرکز، توزیع مالکیت، حضور صاحبان سهم زیاد و کم و اقلیت در ساختار مالکیت شرکت و میزان درصد آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به علاوه تلفیق صاحبان سهام شرکت‌ها از طرح‌های مختلفی مانند صاحبان سهم حقوقی، صاحبان سهم دولتی و خصوصی، مالکیت مدیریتی پیروی می‌کند. ساختار مالکیت به این معناست که راه پخش سهام و حق مالکیت از سوی سرمایه و رأی از عامل‌های موثر حاکمیت شرکتی است و یکی از موثرترین بحث‌های ساختار مالکیت، موضوع نمایندگی می‌باشد. ساختار مالکیت کارآمد می‌تواند موجب کم شدن مخارج نمایندگی در گزارشات مالی شود و به سهم خود بر میزان کار حسابرسی و خطر آن و در آخر بر دستمزد خدمات حسابرسی موثر باشد. ساختار مالکیت بسیار مختلف و گوناگون است و مجموعه‌ی گسترده‌ای از صاحبان سهم حقوقی و حقیقی را شامل می‌شود (میترا^۳ و همکاران، ۲۰۱۷).

تمرکز مالکیت:

یکی از مکانیزم‌هایی که مانع انحراف مدیران از منافع مالکان می‌شود تمرکز مالکیت می‌باشد. کنترل کردن مدیران، شوق سهامداران عمده برای تحصیل اطلاعات و تسلط بر تصمیمات مدیریت بالا می‌باشد و انتخاب نماینده در هیئت مدیره توسط سهامداران عمده صورت می‌پذیرد و موجب کاهش کنترل مدیریت بر هیئت مدیره می‌شود. در هنگام رای‌گیری اثر سهامداران عمده نسبت به سهامداران جز بیش‌تر می‌باشد. به علاوه از ویژگی‌های این نوع مالکیت میتوان به موارد زیر اشاره نمود: منتقل شدن ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت، امکان سوء استفاده از قدرت توسط سهامداران اکثریت.

تمرکز مالکیت یعنی سهامداران بزرگ، کنترل مطلق بر نحوه‌ی اداره‌ی شرکت را داشته باشند. تمرکز مالکیت یعنی میزان زیادی از سهام در مالکیت سهامداران عمده باشد و بخش کمی از سهام به مابقی سهامداران تعلق گیرد. در برخی از نظریه‌ها پنج سهامدار بزرگ و در برخی سه سهامدار بزرگ را به عنوان تمرکز مالکیت قلمداد می‌کنند. با توجه به تئوری نمایندگی مالکیت سهامداران عمده باعث کاهش هزینه‌های حسابرسی و بهبود عملکرد شرکت می‌شوند (برادران حسن-زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

¹ Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

² Ghazali

³ Mitra

نقش تمرکز مالکیت بر ارتباط بین نوع شرکت (دولتی/خصوصی) با مدیریت سود:

تحقیقات بسیار محدودی در مورد مدیریت سود واقعی در شرکت‌های خصوصی وجود دارد. به عنوان مثال، الحداب^۱ و همکاران (۲۰۱۵) گزارش می‌دهند که شرکت‌هایی که سهام اولیه دارند، به طور فزاینده تری در انجام مدیریت سود ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی، شرکت می‌کنند. هاگا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که هم شرکت‌های خصوصی و هم شرکت‌های سهامی عام در بریتانیا در مدیریت سود واقعی شرکت می‌کنند اما شرکت‌های دولتی به میزان بیشتری وارد مدیریت سود می‌شوند. دلایل متعددی وجود دارد که چرا شرکت‌های خصوصی ممکن است به طور کلی در سطوح بالاتر فعالیت مدیریت سود نسبت به شرکت‌های دولتی شرکت کنند، از جمله تفاوت در ویژگی‌های مالکیت، دسترسی مالکان به اطلاعات خصوصی و فشارهای بازار سرمایه می‌باشد. مالکیت شرکت‌های خصوصی معمولاً پراکنده‌تر از شرکت‌های دولتی است که فرصت‌های بیشتری را برای مدیران ایجاد می‌کند تا منابع شرکت را به نفع خود منحرف کنند (یانگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۲).

از آنجایی که شرکت‌های دولتی معمولاً دارای تمرکز خارجی بالاتری نسبت به شرکت‌های خصوصی هستند، ممکن است تمایل کمتری به استفاده از روش مدیریت سود داشته باشند. مدیرانی که منافع مالکیت قابل توجهی دارند، به دلیل ماهیت تخریب ارزش آن، تمایلی به مشارکت در مدیریت سود ندارند. تأمین‌کنندگان سرمایه برای شرکت‌های خصوصی معمولاً نسبت به سرمایه‌گذاران در شرکت‌های دولتی دسترسی آسان‌تری به اطلاعات داخلی دارند و معمولاً در نقش‌های حاکمیتی فعال‌تر هستند. از آنجایی که شرکت‌های خصوصی (غیردولتی) بیشتر به ارتباطات از طریق صورت‌های مالی متکی هستند، دامنه بیشتری برای به کارگیری مدیریت سود برای سیگنال‌دهی یا انگیزه‌های فرصت‌طلبانه دارند. در نهایت، حجم وسیعی از ادبیات نشان می‌دهد که انگیزه‌های بازار سرمایه، مدیران را برای دستکاری سود تشویق می‌کند، به‌ویژه شرکت‌های غیردولتی با فشار بیشتری برای اطمینان از دستیابی به اهداف سود مواجه هستند. از آنجایی که شرکت‌های دولتی با فشار بازار سرمایه کمتر و تضادهای نمایندگی کمتر مواجه هستند، گزارش مالی آنها ممکن است بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های شرکت در رابطه با سود سهام، مالیات و غرامت اجرایی باشد تا فشار سرمایه (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

۲-۲. پیشینه پژوهش

یانگ و همکاران (۲۰۲۲) به پژوهشی تحت عنوان «شکاف مدیریت سود واقعی بین شرکت‌های خصوصی و دولتی: شواهدی از اروپا» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که شکاف مدیریت سود در تنظیمات بازار ضعیف‌تر و در حوزه‌های قضایی با انطباق با مالیات بر دفتر بالاتر بیشتر است، علی‌رغم اینکه سطوح مدیریت سود به طور کلی در چنین حوزه‌های قضایی کمتر است. در حالی که سطوح کلی مدیریت سود به طور مثبت با قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار و میزان الزامات افشا و ارتباط منفی با سطوح تمرکز مالکیت مرتبط است، این عوامل تنها نقش متوسطی در توضیح تغییرات در شکاف مدیریت سود دارند. شواهد مبتنی بر گسترده ما همچنین از وجود «اثر جایگزینی جزئی» در سطح بین‌المللی پشتیبانی می‌کند که در آن افزایش (کاهش) فعالیت مدیریت سود تا حدودی، اما نه به طور کامل، با کاهش

¹ Alhadab

² Haga

³ Yang

(افزایش) فعالیت مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی جبران می‌شود. روجیرو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) به پژوهشی تحت عنوان «مدیریت سود در شرکت‌های دولتی: بازگرداندن عمومیت به داخل» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که عمومی بودن یا خنثی یا مرتبط با کیفیت پاسخگویی مالی شرکت‌های دولتی، بسته به ابعاد تحلیل شده است: در حالیکه مالکیت و کنترل مالی به طور مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های دولتی مرتبط هستند، کنترل اداری و ابهام هدف از نظر آماری پیش‌بینی‌کننده‌های مدیریت سود نیستند. علاوه بر این، تعامل ابعاد عمومیت بر مدیریت سود در شرکت‌های دولتی تأثیر نمی‌گذارد. عاشیق^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به پژوهشی تحت عنوان «ویژگی‌های شرکت و مدیریت سود: نقش تعدیل‌کننده ساختار مالکیت» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت تأثیر معکوس و معنادار بر مدیریت سود دارد، در حالیکه اندازه شرکت، اهرم و مالکیت نهادی با مدیریت سود رابطه معناداری ندارند. علاوه بر این، تمرکز مالکیت تأثیر اندازه شرکت بر مدیریت سود را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، رابطه بین ویژگی‌های کسب‌وکار و مدیریت سود نیز تحت تأثیر مالکیت نهادی قرار نمی‌گیرد. هاگا و همکاران (۲۰۱۸) به پژوهشی تحت عنوان «وضعیت بازار سهام و مدیریت سود واقعی» پرداختند. آنها مدیریت سود واقعی در بین شرکت‌های خصوصی در مقابل شرکت‌های سهامی عام تحلیل کردند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که شرکت‌های دولتی از طریق فعالیت‌های عملیاتی درگیر مدیریت سود بیشتری هستند. هنگامی که انگیزه روشنی برای مدیریت سود در یک جهت خاص وجود دارد و شرکت‌های دولتی بیشتر از شرکت‌های خصوصی، سود خود را مدیریت می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌های اضافی نشان می‌دهد که شرکت‌های دولتی مدیریت سود واقعی بیشتری را به عنوان نسبتی از کل استراتژی مدیریت سود به کار می‌گیرند. علاوه بر این، عوامل کاهش‌دهنده مدیریت سود واقعی تأثیر قوی‌تری در شرکت‌های دولتی دارند.

گیلانی نیای صومعه سرائی و محمدعلی‌نژاد لزرجان (۱۴۰۱) به پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مالکیت دولتی و خصوصی بر ارزش شرکت‌ها به واسطه نقش تعدیلگر ارقام تعهدی غیرعادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که تأثیر مالکیت دولتی بر ارزش شرکت معنادار و مستقیم است در حالیکه مالکیت خصوصی تأثیر معناداری بر ارزش شرکت ندارد. ارقام تعهدی غیرعادی ارتباط بین مالکیت خصوصی و مالکیت دولتی بر ارزش شرکت را تعدیل نمی‌کنند. مظاهری و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر محتوای اطلاعاتی سود و ارقام تعهدی غیراختیاری» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که مالکیت دولتی تأثیر مستقیم و معناداری بر پایداری سود دارد ولی بر ضریب واکنش سود تأثیر معنادار و معکوس دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین مالکیت دولتی و ارقام تعهدی غیراختیاری رابطه معناداری وجود ندارد. طالب‌نیا و صدیقی کمال (۱۳۹۶) به پژوهشی تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوع مالکیت دولتی و خصوصی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که شرکت‌های خصوصی کیفیت سود بالاتری در مقابل شرکت‌های دولتی دارند و در شرکت‌های دولتی مدیریت سود بیشتری رخ می‌دهد.

¹ Ruggiero

² Ashiq

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱) در شرکت‌های دولتی میزان مدیریت سود کمتر از شرکت‌های غیردولتی است.
فرضیه ۲) تمرکز مالکیت ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

۴. روش پژوهش

۴-۱. روش‌شناسی پژوهش

۱) روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی: این پژوهش از این رو که در پی یافتن رابطه معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش می‌باشد و همین‌طور به دلیل اینکه به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته، با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل، می‌پردازد، در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار می‌گیرد؛ بنابراین روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی، یک پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد که برای کشف همبستگی بین متغیرها به روش پس-رویدادی عمل می‌کند.

۲) روش پژوهش از نظر هدف: پژوهش حاضر از لحاظ نوع کار تحقیقاتی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی می‌باشد که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه استفاده می‌گردد و در حوزه نظریه‌های اثباتی قرار می‌گیرد.

۳) روش پژوهش از نظر روش انجام پژوهش: انجام این پژوهش در چارچوب استدلال‌ات قیاسی-استقرایی می‌باشد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های معتبر در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه در قالب استقرایی می‌باشد.

۴-۲. ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مربوط به داده‌های پژوهش به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیوی می‌باشد و برای جمع-آوری اطلاعات در این راستا از سایت رسمی سامانه اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) و نرم‌افزار ره آورد نوین استفاده می‌شود.

۴-۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ می‌باشد؛ و نمونه آماری نیز به صورت حذفی سیستماتیک (غربالگری) انتخاب گردید و ۸۲ شرکت در ۱۰ سال مالی (۸۲۰ سال-شرکت) مورد بررسی قرار گرفتند.

۴-۴. مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی (۱) استفاده گردید:

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Public_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Loss_{it} + \beta_5 EVol_{it} + \beta_6 Lev_{it} + \beta_7 Growth_{it} + \beta_8 OP_{it} + \beta_9 INV_{it} + \beta_{10} ZScore_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

برای آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی (۲) استفاده گردید:

$$REM_{it} = \beta_0 + \beta_1 Public_{it} + \beta_2 ONWC_{it} + \beta_3 Public_{it} \times ONWC_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROE_{it} + \beta_6 Loss_{it} + \beta_7 EVol_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 Growth_{it} + \beta_{10} OP_{it} + \beta_{11} INV_{it} + \beta_{12} ZScore_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

۴-۵. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	نحوه اندازه گیری متغیر
متغیر مستقل		
شرکت های دولتی (شرکت دارای سهامدار دولتی)	Public	طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور شرکت دولتی، واحد سازمانی می باشد که با اجازه قانون تشکیل شده و بیش از ۵۰ درصد از سهام آن متعلق به دولت یا سازمانها و نهادهای دولتی باشد. لازم به ذکر است درصد سهام شرکتها، سازمانهایی همچون صندوق بازنشستگی کشور، بانکها، سازمان بیمه تأمین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت ایران، بنیاد مستضعفان کشور، بنیاد شهید، بنیاد سپاه پاسداران، اداره آب و فاضلاب استانها، اداره گاز استانها و سایر نهادها و شرکت هایی که به طور غیرمستقیم به دولت وابسته اند، به عنوان ارگان های وابسته به دولت شناخته شده و اگر مجموع سهام آنها بیش از ۵۰٪ به همراه درصد سهامی که به طور مستقیم در دست دولت است (یا ممکن است وجود نداشته باشد)، تحت عنوان مالکیت دولتی شرکت، شناسایی می گردند. با توجه به تفاسیر فوق، اگر شرکت دارای سهامدار دولتی باشد به این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد.
متغیر وابسته		
مدیریت سود	REM	برای محاسبه مدیریت سود از مدل اقلام تعهدی اختیاری تعدیل یافته جونز استفاده می شود: $TA_{it}/A_{it-1} = \beta_0(1/A_{it-1}) + \beta_1(\Delta RE_{it} - \Delta REC_{it}/A_{it-1}) + \beta_2(PPE_{it}/A_{it-1}) + \varepsilon_{it}$ TA: مجموع اقلام تعهدی شرکت؛ A: کل دارایی های شرکت؛ PPE: بهای ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات ΔREV : تغییرات در درآمد یا فروش ($REV_t - REV_{t-1}$) ΔREC : تغییرات در حساب های دریافتی خالص ($REC_t - REC_{t-1}$) مقدار قدرمطلق باقیمانده مدل جونز به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته می شود.
متغیر تعدیلگر		
تمرکز مالکیت	OWNC	درصد سهام تحت تملک ۱۰ سهامدار عمده شرکت
متغیرهای کنترلی		
اندازه شرکت	SIZE	لگاریتم طبیعی کل دارایی ها

نام متغیر	نماد	نحوه اندازه‌گیری متغیر
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها
زیان شرکت	LOSS	اگر شرکت در سال مورد بررسی زیان‌ده باشد به این متغیر عدد یک و اگر سودده باشد عدد صفر تعلق می‌گیرد.
نوسانات سود	E-Vol	انحراف معیار سه سال بازده کل دارایی‌ها بازده کل دارایی‌ها = نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها
اهرم مالی	LEV	نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها
رشد فروش	GROWTH	(فروش سال جاری - فروش سال قبل) تقسیم بر فروش سال قبل
چرخه عملیاتی شرکت	OP	$OC = ACP + ICP - APP$ <p>ACP: میانگین دوره وصول مطالبات (فروش خالص / متوسط حساب‌های دریافتی اول دوره و پایان دوره) $\times 0/365$</p> <p>ICP: دوره تبدیل گردش موجودی (بهای تمام شده کالای فروش رفته / متوسط موجودی مواد) $\times 0/365$</p> <p>APP: میانگین دوره پرداخت بدهی (خرید (هزینه) / متوسط حساب‌های پرداختی اول دوره و پایان دوره) $\times 0/365$</p> <p>به منظور اینکه مقدار این متغیر همچون سایر متغیرها عدد کوچک باشد مقدار حاصل شده بر عدد ۱۰۰۰۰ تقسیم گردید.</p>
وجه نقد به دارایی‌ها	INV	نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها
ورشکستگی شرکت	Z-Score	<p>برای محاسبه ورشکستگی شرکت از مدل آلتن استفاده می‌شود:</p> $z'' = 6/56x_1 + 3/26x_2 + 6/72x_3 + 1/05x_4$ <p>Z': شاخص کل ورشکستگی</p> <p>x_1: نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها؛ x_2: نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها</p> <p>x_3: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها؛ x_4: نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها</p> <p>در این مدل هر چه Z' پایین‌تر باشد، درجه بحران مالی شرکت بیشتر است به طوری - که شرکت‌های با امتیاز Z' بالاتر از ۲/۶ وارد طبقه شرکت‌های سالم (غیرورشکسته) شده و با امتیاز کمتر از ۱/۱ به عنوان شرکت‌های ورشکسته (خیلی زیاد) طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین بین ۱/۱ تا ۲/۶ به عنوان شرکت‌های با ورشکستگی ضعیف طبقه - بندی می‌شوند.</p>

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

در این قسمت، شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد:

جدول ۲- شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و نحوه توزیع متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
REM	۸۲۰	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۴۸	۰/۰۰۰۱	۰/۱۰	۱/۲۳	۴/۱۴
OWNC	۸۲۰	۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۹۹	۰/۱۸	۰/۱۳	-۱/۰۴	۴/۲۸
SIZE	۸۲۰	۱۴/۵۸	۱۴/۴۴	۲۰/۱۲	۱۱/۰۳	۱/۴۹	۰/۶۰	۳/۷۹
ROE	۸۲۰	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۹۲	-۰/۸۴	۰/۲۸	-۰/۴۷	۳/۳۲
E-Vol	۸۲۰	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۱/۵۲	۵/۳۶
LEV	۸۲۰	۰/۵۷	۰/۵۹	۰/۹۹	۰/۰۳	۰/۲۰	-۰/۳۷	۲/۵۴
GROWTH	۸۲۰	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۹۹	-۰/۹۳	۰/۳۸	-۰/۴۵	۳/۲۵
OP	۸۲۰	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۵۹	۰/۰۱	۰/۱۲	۱/۴۳	۴/۶۷
INV	۸۲۰	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۳	۱/۳۵	۴/۱۷
Z-Score	۸۲۰	۲/۹۵	۲/۹۰	۹/۹۸	-۶/۲۴	۳/۰۶	۰/۰۶	۲/۸۶
نماد متغیر	تعداد	تعداد و درصد فراوانی با عدد صفر		تعداد و درصد فراوانی با عدد یک				
Public	۸۲۰	۴۲۰	۵۱/۲٪	۴۰۰	۴۸/۸٪			
LOSS	۸۲۰	۷۰۸	۸۶/۳٪	۱۱۲	۱۳/۷٪			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

شاخص‌های مرکزی بیان شده، میانگین، میانه، حداکثر و حداقل می‌باشند که از بین آنها؛ میانگین مهم‌ترین محسوب می‌شود. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است و متوسط داده‌ها را نشان می‌دهد. چولگی و کشیدگی؛ شاخص‌های تقارن داده‌ها و نشان دهنده وضعیت آنها نسبت توزیع نرمال هستند. ضریب چولگی منفی نشان می‌دهد متغیر چوله به چپ است یعنی حجم بیشتر مشاهدات در این متغیرها بیشتر از میانگین آنها می‌باشد که تمرکز مالکیت، بازده حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی و رشد فروش دارای چولگی منفی هستند لذا چوله به چپ می‌باشند و ضریب چولگی مثبت نشان می‌دهد که متغیر چوله به راست است یعنی حجم بیشتر مشاهدات در این متغیرها کوچکتر از میانگین آنها می‌باشد که مدیریت سود، اندازه شرکت، نوسانات سود، چرخه عملیاتی شرکت، وجه نقد به دارایی‌ها و ورشکستگی شرکت چولگی مثبت دارند لذا چوله به راست هستند. ضریب کشیدگی مثبت نشان دهنده بلندتر بودن (پراکندگی کمتر) توزیع متغیر است و ضریب کشیدگی منفی نشان دهنده کوتاه‌تر بودن (پراکندگی بیشتر) توزیع متغیر است. کشیدگی برای تمامی متغیرهای پژوهش (مدیریت سود، شرکت‌های دولتی (شرکت دارای سهامدار دولتی)، زیان شرکت، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام، نوسانات سود، اهرم مالی،

رشد فروش، چرخه عملیاتی شرکت، وجه نقد به دارایی‌ها و ورشکستگی شرکت) مثبت بوده و این بدان معناست که همه‌ی متغیرهای پژوهش پراکندگی کمی را دارا هستند.

همچنین؛ مشخص شد که ۴۰۰ سال-شرکت از بین ۸۲۰ سال-شرکت دارای سهامدار دولتی هستند ولی ۴۲۰ سال-شرکت سهامدار دولتی ندارند و از بین ۸۲۰ سال-شرکت، ۱۱۲ سال-شرکت زیان‌ده و ۷۰۸ سال-شرکت سودده هستند.

۵-۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۳-آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیرها	ضریب	خطا	آماره t استیودنت	سطح معناداری آماره t
C	۰/۰۷	۰/۰۶	۱/۲۱	۰/۲۲۵۶
Public	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۲/۴۰	۰/۰۱۶۴
SIZE	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	-۰/۴۱	۰/۶۷۴۹
ROE	۰/۰۷	۰/۰۱	۴/۶۶	۰/۰۰۰۰
LOSS	۰/۰۹	۰/۰۱	۷/۸۱	۰/۰۰۰۰
E-Vol	۰/۳۸	۰/۰۶	۵/۷۱	۰/۰۰۰۰
LEV	-۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۸۸	۰/۳۷۳۸
GROWTH	-۰/۰۱	۰/۰۰۷	-۱/۶۰	۰/۱۰۹۲
OP	۰/۰۴	۰/۰۳	۱/۳۸	۰/۱۶۷۰
INV	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۴۸	۰/۶۳۰۸
Z-Score	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۳/۲۷	۰/۰۰۱۱
ضریب تعیین	۰/۴۰۹۸	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۳۶۰
آماره F	۵/۵۵	سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰
نام آماره‌های آزمون والد	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	
آماره t آزمون والد	-۵۹/۶۲	۷۲۸	۰/۰۰۰۰	
آماره f آزمون والد	۳۵۵۴/۹۱	(۱ و ۷۲۸)	۰/۰۰۰۰	
آماره Chi آزمون والد	۳۵۵۴/۹۱	۱	۰/۰۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آماره‌ی t، f و chi آزمون والد: با توجه به سطح معناداری آماره‌ی t، f و chi آزمون والد که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا نتیجه می‌گیریم فرضیه صفر پژوهش رد می‌شود و فرضیه اصلی پذیرفته می‌گردد؛ به عبارتی در شرکت‌های دولتی میزان مدیریت سود کمتر از شرکت‌های غیردولتی است.

آماره t استیودنت: سطح معناداری آماره‌ی t استیودنت مربوط به متغیر مستقل مدل رگرسیونی اول پژوهش که نوع شرکت است برابر با ۰/۰۱ است به دلیل اینکه این عدد از ۰/۰۵ کوچکتر است لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان داشت که نوع شرکت (دولتی و غیردولتی) بر مدیریت سود تأثیر معنادار دارد. برای تعیین جهت این ارتباط نیز علامت ضریب متغیر مستقل (نوع شرکت) را بررسی می‌کنیم، به دلیل اینکه این ضریب منفی است لذا می‌توان بیان داشت که نوع شرکت تأثیر معکوس و معناداری بر مدیریت سود دارد. سطح معناداری آماره t استیودنت برای بازده حقوق صاحبان سهام، زیان شرکت، نوسانات سود و ورشکستگی شرکت کمتر از ۰/۰۱ است لذا با سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان بیان داشت که بازده حقوق صاحبان سهام، زیان شرکت، نوسانات سود و ورشکستگی شرکت تأثیر معناداری بر مدیریت

سود شرکت دارند، ولی سطح معناداری آماره t استیودنت برای اندازه شرکت، اهرم مالی، رشد فروش، چرخه عملیاتی شرکت، وجه نقد به دارایی‌های شرکت بیش از ۰/۰۵ است لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان داشت که بین اندازه شرکت، اهرم مالی، رشد فروش، چرخه عملیاتی شرکت، وجه نقد به دارایی‌های شرکت با مدیریت سود ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۴-آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیرها	ضریب	خطا	آماره t استیودنت	سطح معناداری آماره t
C	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۴۰	۰/۶۸۸۱
Public	-۰/۰۱	۰/۰۰۶	-۱/۸۶	۰/۰۶۲۷
OWNC	-۰/۰۱	۰/۰۳	-۰/۴۴	۰/۶۵۳۹
Public×OWNC	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۶۵	۰/۵۱۳۱
SIZE	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۱/۸۶	۰/۰۶۳۰
ROE	۰/۰۷	۰/۰۱	۵/۰۷	۰/۰۰۰۰
LOSS	۰/۱۰	۰/۰۱	۸/۷۴	۰/۰۰۰۰
E-Vol	۰/۳۹	۰/۰۶	۵/۹۵	۰/۰۰۰۰
LEV	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۲/۲۹	۰/۰۲۲۰
GROWTH	-۰/۰۱	۰/۰۰۸	-۲/۰۷	۰/۰۳۸۲
OP	۰/۰۶	۰/۰۲	۲/۳۷	۰/۰۱۷۹
INV	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۸۵۷۱
Z-Score	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۲/۱۸	۰/۰۲۹۳
ضریب تعیین	۰/۲۰۵۷		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۹۳۹
آماره F	۱۷/۴۲		سطح معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آماره t استیودنت: سطح معناداری آماره t استیودنت مربوط به متغیر مستقل مدل رگرسیونی دوم پژوهش که نوع شرکت است برابر با ۰/۶۱ است به دلیل اینکه این عدد از ۰/۰۵ بیشتر و از ۰/۱ کمتر است لذا با سطح اطمینان ۹۰٪ می‌توان بیان داشت که نوع شرکت بر مدیریت سود تأثیر معنادار دارد. برای تعیین جهت این ارتباط نیز علامت ضریب متغیر مستقل (نوع شرکت) را بررسی می‌کنیم، به دلیل اینکه این ضریب منفی است لذا می‌توان بیان داشت که نوع شرکت تأثیر معکوس و معناداری بر مدیریت سود دارد. سطح معناداری آماره t استیودنت مربوط به متغیر تعدیلگر مدل رگرسیونی دوم پژوهش که نوع شرکت × تمرکز مالکیت است برابر با ۰/۵۱ است به دلیل اینکه این عدد از ۰/۰۵ بیشتر است لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان داشت که تمرکز مالکیت بر ارتباط نوع شرکت با مدیریت سود تأثیر معنادار ندارد. لذا می‌توان بیان داشت که تمرکز مالکیت ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود را تعدیل نمی‌کند و فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید نمی‌باشد. سطح معناداری آماره t استیودنت برای بازده حقوق صاحبان سهام، زیان شرکت، نوسانات سود کمتر از ۰/۰۱ است لذا با سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان بیان داشت که بازده حقوق صاحبان سهام، زیان شرکت، نوسانات سود و ورشکستگی شرکت تأثیر معناداری بر مدیریت سود شرکت دارند؛ سطح معناداری آماره t استیودنت برای اهرم مالی، رشد فروش، چرخه عملیاتی شرکت و ورشکستگی شرکت کمتر از ۰/۰۵ و بیشتر از ۰/۰۱ است لذا با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان داشت که اهرم مالی، رشد فروش، چرخه عملیاتی شرکت و ورشکستگی شرکت تأثیر

معناداری بر مدیریت سود شرکت دارند؛ سطح معناداری آماره t استیودنت برای اندازه شرکت کمتر از $0/1$ و بیشتر از $0/05$ است لذا با سطح اطمینان 90% می‌توان بیان داشت که اندازه شرکت تأثیر معناداری بر مدیریت سود شرکت دارد ولی سطح معناداری آماره t استیودنت برای تمرکز مالکیت و وجه نقد به دارایی‌های شرکت بیش از $0/05$ است لذا با سطح اطمینان 95% می‌توان بیان داشت که بین تمرکز مالکیت و وجه نقد به دارایی‌های شرکت با مدیریت سود ارتباط معناداری وجود ندارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

۶-۱. نتیجه‌گیری

اولین فرضیه بیان می‌کند که در شرکت‌های دولتی میزان مدیریت سود کمتر از شرکت‌های غیردولتی است. با توجه به اینکه سطح معناداری ضریب آماره t در آزمون والد قابل قبول حاصل شد (کمتر از $0/05$)، لذا فرضیه اول پژوهش تأیید گردید و این بدان معناست که در شرکت‌های دولتی در بورس اوراق بهادار تهران میزان مدیریت سود کمتر از شرکت‌های غیردولتی در بورس اوراق بهادار تهران است. در راستای تحلیل این فرضیه می‌توان بیان داشت، در شرکت‌های دولتی و یا به اصطلاح شرکت‌هایی که دارای سهامدار دولتی (دولت / ارگان‌های دولتی) باشد، نظارت بیشتری از سوی سهامداران، بالاخص این گروه از سهامداران (سهامداران دولتی) بر فعالیت‌های شرکت و اقدامات مدیران صورت می‌پذیرد و همین امر منجر می‌گردد تا در این دسته از شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های غیردولتی، مدیریت سود کمتری صورت پذیرد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۲۲)، روجیرو و همکاران (۲۰۲۲)، هاگا و همکاران (۲۰۱۸)، گیلانی نیای صومعه سرائی و محمدعلی‌نژاد و لزرسانی (۱۴۰۰)، مظاهری و همکاران (۱۴۰۰) و طالب‌نیا و صدیقی کمال (۱۳۹۶) هم‌راستا می‌باشد.

دومین فرضیه بیان می‌کند که تمرکز مالکیت ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

با توجه به اینکه سطح معناداری آماره t استیودنت ضریب متغیر نوع شرکت \times مدیریت سود قابل قبول حاصل نشد (بیش از $0/05$)، لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید نگردید و این بدان معناست که تمرکز مالکیت ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل نمی‌کند. یکی از دلایلی که تمرکز مالکیت تأثیر نوع شرکت بر مدیریت را تعدیل نمی‌کند می‌تواند عدم دخالت سهامداران در تصمیمات شرکتی باشد و تصمیم برای اقدام به مدیریت سود به واسطه‌ی مدیرعامل و گاهاً برخی از مدیران ارشد اجرایی اخذ می‌گردد، فلذا سهامداران عمده همچون سایر سهامداران از این تصمیم بی‌اطلاع هستند. از سوی دیگر، شرکت‌های دارای سهامداران دولتی معمولاً دارای تمرکز مالکیت داخلی کمتری نسبت به شرکت‌های خصوصی هستند، به همین دلیل ممکن است مدیران اقدام به مدیریت سود کنند ولی مالکین از این امر بی‌اطلاع باشند و همین دلیلی می‌شود تا نقشی در کاهش یا افزایش مدیریت سود نداشته باشند. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا نمی‌باشد. دلیل این عدم یکسانی نتایج نیز این است که نتیجه‌ی فوق در کشور دیگری انجام شده است و سیاست‌های اخذ شده در آن کشورها با ایران متفاوت است و همچنین در ایران الزامی برای اینکه سهام شرکت‌ها به چه صورت تقسیم شوند وجود ندارد و همین امر منجر می‌گردد تا در برخی از شرکت‌ها تمرکز مالکیت بر روی یک مالک باشند و در برخی دیگر این گونه نباشد.

۲-۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به تفاوت در میزان مدیریت سود در شرکت‌های دولتی و غیر دولتی، لذا به اعضای هیأت مدیره در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد تا به منظور کاهش مدیریت سود به واسطه‌ی مدیرعامل و مدیران مالی شرکت، از سهامداران دولتی استفاده نمایند تا بدین واسطه از مدیریت سود جلوگیری کرده و یا اینکه میزان مدیریت سود در شرکت را کاهش دهند. از سوی دیگر، به سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را دارند پیشنهاد می‌گردد قبل انتخاب شرکتی برای سرمایه‌گذاری، سهامداران شرکت را مورد بررسی قرار دهند و ترجیحاً شرکت‌هایی را به منظور سرمایه‌گذاری انتخاب کنند که دارای سهامدار دولتی هستند، زیرا این دسته از شرکت‌ها، کمتر به مدیریت سود می‌پردازند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌گردد، با تصویب قوانین، حضور سهامداران دولتی در شرکت‌ها را الزامی نماید تا بدین واسطه از اقدام شرکت‌ها به منظور دستکاری و مدیریت سود جلوگیری به عمل آورد.

۳-۶. پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌گردد تأثیر مالکیت مدیریتی بر ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد تأثیر مالکیت نهادی بر ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد تأثیر تمرکز مالکیت بر ارتباط بین نوع شرکت با مدیریت سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهاد می‌گردد کیفیت سود در شرکت‌های دولتی و غیردولتی بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

برادران حسن‌زاده، رسول؛ بادآورنده‌ی، یونس و اسماعیلی گنجینه کتاب، سمیه، ۱۳۹۳، تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابداری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۳: ۹۹-۱۱۵.

طالب‌نیا، قدرت‌الله و صدیقی کمال، لایلا، ۱۳۹۶، بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوع مالکیت دولتی و خصوصی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره ۳۴: ۴۲-۵۷.

گیلانی نیای صومعه سرائی، بهنام و محمدعلی نژاد لزرجان، صغری، ۱۴۰۱، بررسی تأثیر مالکیت دولتی و خصوصی بر ارزش شرکت‌ها به واسطه نقش تعدیلگر اقلام تعهدی غیرعادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ایران.

مشایخ، شهناز؛ بشیری‌منش، نازنین و شاه‌رخی، سیده سمانه، ۱۳۹۲، مدیریت سود و رفتار سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری، فصلنامه تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴: ۷۷-۹۹.

مظاهری، خدیجه؛ مسکنی، مصطفی و بخشی، حسین، ۱۴۰۰، بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر محتوای اطلاعاتی سود و اقلام تعهدی غیر اختیاری، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۸: ۴۷-۶۶.

Alhadab, M, Clacher, I, & Keasey, K. 2015. Real and accrual earnings management and IPO failure risk. *Accounting and Business Research*, 45(1), 55-92.

- Ashiq. A, Guoxing. Z, Tabassam. A, and Waheed. A. 2022. Firm characteristics and earnings management: Moderating role of ownership structure. *Journal of Contemporary Issue in Business and Government*. Vol. 28 (3): 964-976.
- El Diria. M, Lambrinouidakis. C, Alhadabc. M. 2020. Corporate governance and earnings management in concentrated markets. *Journal of Business Research*. Vol. 108: 291-306. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.11.013>
- El-Rabat. M, Abdel-Fattah. H. A, Mohamed. M. A. 2023. The Moderating Role of Firm Size on the Relationship between Financial Distress and Earnings Management. *The Academic Journal of Contemporary Commercial Research*. Vol. 3. (1).
- Ghazali. A. W, Shafieb. N. A, and Sanusib. Z. M. 2015. Earnings Management: An Analysis of Opportunistic Behaviour, Monitoring Mechanism and Financial Distress. 7th International conference on financial criminology 2015 13-14 April 2015, Wadham College, Oxford, United Kingdom.
- Haga, J, Höglund, H, & Sundvik, D. 2018. Stock market listing status and real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(5), 420–435.
- Mitra. S, Tlossain. M, and Deis. D. R. 2017. The Empirical Relationship between Ownership Characteristics and Audit Fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*. Vol. 28 (3).
- Osma. B. G, Gomez-Conde. J, and Lopez. Valeiras. E. 2021. Management control systems and real earnings management: Effects on firm performance. *Management Accounting Research*. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2021.100781>.
- Ruggiero. P, Sorrentino. D, and Mussavi. R. 2022. Earnings management in state owned enterprises: Bringing publicenss banck in. *Journal of Management and Governance*. Vol. 26: 1277-1313.
- Yang. J, Hemmings. D, Jaafar. A, and Jackson. R. H. G. 2022. The real earnings management gap between private and public firms: Evidence from Europe. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. Vol. 49.

The Earnings Management on Private and Public Firms of Tehran Stock Exchange

Niloofar Zanghivand Darvishvand¹
Vahid Mahmoodi²

Abstract

The aim of this study; Investigating profit management in government and non-government companies of Tehran Stock Exchange and also investigating the effect of ownership concentration on the relationship between company type and profit management. Adjusted discretionary accruals model of Jones was used to measure earnings management. The companies admitted to the Tehran Stock Exchange were selected as the statistical population, and the statistical sample includes 82 companies during the period of 1391 to 1400. Hypotheses testing was carried out by using linear regression and using Eviuse software. The results of the research showed that in state-owned companies, the amount of profit management is more than in non-governmental companies, and in other words, in state-owned companies or so-called companies that have government shareholders (government / government bodies), there is more monitoring by shareholders, especially this group of shareholders (government shareholders) on the company's activities and the actions of managers, and this leads to less profit management in this category of companies compared to non-governmental companies. But ownership concentration does not moderate the relationship between company type and profit management.

Keywords

Earnings Management, State and Non-State Companies, Concentration of Ownership.

1. Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran